بسم الله الرحمن الرحیم

چهار شنبه 15/2/1400- 22رمضان 1442-5مه2021-درس323و324فقه الاداره –فقه النظارة- نظارت بر برنامه –خاتمه در احکام نظارت – ضمانت در نظارت در تنازع حسبه و عامل برنامه

مساله : اگر حسبه و عامل برنامه مدعی نظارت و عدم نظارت موثر شدند قول کدام طرف مقدم است ؟

فقه الحدیث 3

طائفه ای از اخبار باب دال بر این است که حسبه محسن است و بر محسن سبیل نیست یعنی نباید ضمانتی متوجه او باشد بین محسن و امین عموم مطلق است هر محسنی امین است و لی هر امینی محسن نیست زیرا محسن اصلا به منافع شخصی در احسانس نمی اندیشد والا مضومل عنوان احسان نیست وقاعده بر عدم سبیل وضمان اوست وقصد او در احسان فقط امر خیر است و لی مستعیر که عاریه را برای استفاده شخصی از معیر میگیرد قصد استفاده شخصی دارد [[1]](#footnote-1) یعنی محسن نیست ولی امین است وضامن نیست بدون افراط و تفریط . حال حسبه محسن است زیرا حسبه ذاتا کاری که زمین مانده است تقبل میکند و مسئولیت حمل آن را بر دوش میگیرد مثل همه مسئولیت ها در نظام دینی مدنی که مسئول از باب احسان و حسبه زیر بار مسئولیت میرود یا از باب قاعده معاونت بر بر و تقوی . ونباید منفعت شخصی را لحاظ کند و خودرا مشمول احسان خدا بداند که هل جزاء الاحسان الا الاحسا ن ائمه اهار در راس محسنین هستند که کلا به منفعت شخصی نمی اندیشند وبار هدایت مردم را بدون مسئلت اجر بر دوش میکشند وضامن هم نیستند هرچند خود را ضامن بدانند . اگر حسبه محسن است فوق امین است و صمان متوجه او نیست مگر افراط و تفریط کرده باشد که دیگر محسن نیست لذا قول حسبه محسن بر عامل امین مقدم میشود و خسارت و جبران آن متوجه عامل میشود مگر این که او راهم محسن بدانیم که تنازه بین دو محسن میشود که با معیارهایی که در نوبت قبل ارائه شد قول عامل مقدم خواهد شد اما آیا عامل محسن است ؟ اگر عامل دولت باشد اطلاق محسن بر او روا است اما اگر شرکت خصوصی یا تعاونی را نمایندگی میکند یا اداره می نماید ولی تحت نظارت حسبه است چون منفعت شخصی وخصوصی هم دارد لذا محسن نیست ولو امین است پس حق تقوم را از دست میدهد لذا باید تفصیل قائل شویم بین عامل دولتی و خصوصی که اولی محسن و دومی امین است و در حالت اول قولش مقدم بر حسبه و در حالت دوم قول حسبه در تنازع مورد نظر مقدم میشود با آثاری که برآن در نوبت قبل برشمرده شد .

اتهام خلاف اصل است

اینکه عامل یا حسبه هر دو در معرض تهمت تفریط و تعدی هستند خلاف قواعد احسان و تعاون است اینکه در مقام اجرا تعدیات و تخلفاتی سر زده است مخل به کلیت قاعده مزبوره نیست مکر عنصر زمانه را با دید امام هادی ع [[2]](#footnote-2)وارد کنیم که خود یک تفصیل دیگر ایجاد میکند که اگر در زمانه بدی باشیم جای خوش بینی نیست و تهمت میچربد که در این صورت متوجه حسبه و عامل هر دو میشود که متهم به کم کاری یا ترک فعل میشوند وشاید حسبه به تهمت نزدیکتر باشد به علت قدرت بیش تر که موضوع اصلی تهمت است ولی اگر زمانه خوبی است تهمت از حسبه برداشته میشود ولی عامل در معرض تهمت میماند که طبعا مقاوم در قبال نظارت موثر است که آنهم با سوگند طبق روایت بکر بن حبیب سابق [[3]](#footnote-3) با احلاف رفع تهمت میشود [[4]](#footnote-4)

حمل برصحت

در امور حکومتی و مدیریتی " حمل برصحت" قوت زیادی ندارد بللکه " دقت" و عدم استنامه اثر بخش تر است آنطور که امیر المومنین ع به مالک اشتر تاکید میکند که در گزینش ها دچار استنامه[[5]](#footnote-5) و ساده اندیشی مشو چراکه افراد به هر شکل مایلند راه پیدا کنند به سازمان . بنابراین در مانحن فیه نباید قوا عامل را حمل برصحت کرد و الا فلسفه نظارت از بین میرود که اصل در آن عیب یابی بث قصد ترمیم وبهبود است که با حمل بر صحت در تعارض قاهرانه است و باعث پربش قول حسبه در تنازع مورد نظریشود

ان قلت : فرم ایش امام علی ع خطاب به مالک اشتر موقع جبایت خراج دال بر حمل بر صحت قول مودی خراج و مالیات و زکات است

قلت : قیاس عامل به مودی خراج مع الفارق است زیرا مودی خراج کارگزار نیست که بر کارش نظارت شود موضوع نظارت با موضوع جبایت خراج متفاوت است

1. **عاریه:** مسلط کردن دیگری بر مال خود، برای این­که از آن استفاده مجانی (بدون گرفتن عوض) کندشرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام؛ ج‌2، ص: 135العارية و هي عقد ثمرته التبرع بالمنفعة و يقع بكل لفظ يشتمل على الإذن في الانتفاع و ليس بلازم لأحد المتعاقدين.الأول في المعير‌الثاني في المستعير‌و له الانتفاع بما جرت العادة به في الانتفاع بالمعار و لو نقص‌من العين شي‌ء أو تلفت بالاستعمال من غير تعد لم يضمن إلا أن يشترط ذلك في العارية.و لو استعاره من الغاصب و هو لا يعلم كان الضمان على الغاصب و للمالك إلزام المستعير بما استوفاه من المنفعة و يرجع على الغاصب لأنه أذن له في استيفائها بغير عوض و الوجه تعلق الضمان بالغاصب حسب و كذا لو تلفت العين في يد المستعير.أما لو كان عالما كان ضامنا و لم يرجع على الغاصب و لو أغرم الغاصب رجع على المستعير‌

   الثالث في العين المعارة‌و هي كل ما يصح الانتفاع به مع بقاء عينه كالثوب و الدابة و تصح استعارة الأرض للزراعة و الغرس و البناء و يقتصر المستعير على القدر المأذون فيه و قيل يجوز أن يستبيح ما دونه في الضرر كأن يستعير أرضا للغرس   
   حلّى، محقق، نجم الدين، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، 4 جلد، مؤسسه اسماعيليان، قم - ايران، دوم، 1408 ه‍ ق [↑](#footnote-ref-1)
2. . هر گاه در زمانه اي عدل بيش از ظلم رايج باشد ، بدگماني به ديگري حرام است ، مگر آنكه آدمي بدي از كسي ببيند ، و هرگاه در زمانه اي ظ لم بيش از عدل باشد ، تا وقتي كه آدمي خيري از كسي نبيند ، نبايد به او خوشبين باشد.  
   (مسند الامام الهادي ، ص 304) [↑](#footnote-ref-2)
3. 49- عَنْهُ عَنِ ابْنِ رِبَاطٍ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يُضَمَّنُ‏ الْقَصَّارُ إِلَّا مَا جَنَتْ يَدَاهُ وَ إِنِ اتَّهَمْتَهُ أَحْلَفْتَهُ. [↑](#footnote-ref-3)
4. ضامن کردن [اجیر](https://wikifeqh.ir/اجیر" \o "اجیر" \t "_blank) در غیر صورت تهمت، [مکروه](https://wikifeqh.ir/مکروه) است. در کلمات [فقها](https://wikifeqh.ir/فقها) براى این عبارت چند تفسیر ذکر شده از جمله: دو شاهد نسبت به اجیرى که متّهم به تقصیر نبوده، بر تقصیر او در کارش شهادت دهند. در این صورت ضامن کردن اجیر و گرفتن غرامت مال تلف شده از او کراهت دارد: اجیرى که نسبت به کار خود مطلقا هرچند تقصیر نکرده باشد [ضامن](https://wikifeqh.ir/ضامن) است، مانند صنعت‌گر، در صورت عدم توجه اتهام‌ [تقصیر](https://wikifeqh.ir/تقصیر) به وى، ضامن کردن و گرفتن [غرامت](https://wikifeqh.ir/غرامت) از او کراهت دارد[ [نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام،ج۲۷، ص ۲۵۴-۲۵۵.](http://lib.eshia.ir/10088/27/254/انتفاء)     [↑](#footnote-ref-4)
5. تحف العقول / النص / 139 / عهده ع إلى الأشتر حين ولاه مصر و أعمالها ..... ص : 126 ثُمَّ لَا يَكُنِ اخْتِيَارُكَ إِيَّاهُمْ عَلَى فِرَاسَتِكَ وَ اسْتِنَامَتِكَ‏ وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِهِمْ فَإِنَّ الرِّجَالَ يَعْرِفُونَ فِرَاسَاتِ الْوُلَاةِ بِتَصَنُّعِهِمْ وَ خِدْمَتِهِمْ وَ لَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ النَّصِيحَةِ وَ الْأَمَانَةِ وَ لَكِنِ اخْتَبِرْهُمْ بِمَا وُلُّوا لِلصَّالِحِينَ قَبْلَكَ فَاعْمِدْ لِأَحْسَنِهِمْ كَانَ فِي الْعَامَّةِ أَثَراً وَ أَعْرَفِهِمْ فِيهَا بِالنُّبْلِ وَ الْأَمَانَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ دَلِيلٌ عَلَى نَصِيحَتِكَ لِلَّهِ وَ لِمَنْ وُلِّيتَ أَمْرَهُ [↑](#footnote-ref-5)